■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ISO9001:2008

جام جم

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۲۳۰۰۴۰۳۲
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به‌صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام‌جم)

شنبه ۲۹ تیر ۱۳۹۸ | ۱۷ ذی‌القعده ۱۴۴۰ | ۲۰ صفحه | سال بیستم - شماره ۵۴۳۵ | استان تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان | Saturday - 2019 July 20

حدیث روز: بحارالانوار

امام صادق (ع): حسود، سه نشان دارد: پشت سر غیبت، رو در رو، تملق و چاپلوسی و در مصیبت و گرفتاری، زبان به شماتت می‌گشاید.

پلک احساس: سعدی

گر صبر دل از تو هست و گر نیست
هم صبر که چاره دگر نیست

امروز در تاریخ:

- واگذاری شیلات شمال ایران به استفان لیانازوف، سرمایه‌دار روسی (۱۲۷۲ ش)
- درگذشت پروفسور محمدحسن گنجی پدر جغرافیای ایران (۱۳۹۱ش)
- ترور ناصرالدین‌شاه قاجار در حرم عبدالعظیم توسط میرزا رضا کرمانی (۱۳۱۳ق)
- اختراع ساعت جیبی در آلمان (۱۶۰۰م)

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۳/۱۱ | غروب آفتاب: ۲۰/۱۸
اذان مغرب: ۲۰/۳۸ | نیمه‌شب شرعی: ۰۰/۲۰
اذان صبح (فردا): ۴/۲۳ | طلوع خورشید (فردا): ۶/۰۴

پیش‌بینی آب و هوا یکشنبه

تهران	ایلام	بندرعباس	بجنورد	تبریز	ساری	سنندج	یاسوج
۳۹ / ۳۰	۴۰ / ۲۱	۳۵ / ۳۱	۳۶ / ۱۹	۳۹ / ۲۵	۳۳ / ۲۳	۴۱ / ۲۰	۳۷ / ۲۰

حکمت ۱۴۹: نهج‌البلاغه

نابود شد کسی که ارزش خود را ندانست.

سعی صفا

۵

سفرنامه حج

سلام من به مدینه...

حامد عسکری
شاعر و نویسنده

با بدنی خیس از عرق بیدار شدم. لباس‌ها چسبیده بودند به تنم. حدود ۳۰ ساعت بیدارخوابی و استرس بالاخره جایی باید از جانمان خارج می‌شد و چه جایی بهتر از مدینه. خستگی نگذاشته بود بفهمیم سیستم خنک‌کننده هتل خاموش و اتاق شده بود مثل رختکن حمام‌های سنتی، دم کرده و چسبناک... تلفن هم کار نمی‌کرد که زنگ بزنم بیایند چك کنند. هنوز گیج و گولم، منگم، بدنم کرخت است و لش... ۹۰ کیلو وزنم را می‌کشانم به بچه یخچال هتل درش را باز می‌کنم. یخچال مقداری سرما ذخیره کرده. بطری آب معدنی را برمی‌دارم. درنیامده و نرسیده به هوای اتاق پشتش عرق می‌کند. درش را باز می‌کنم و لاجرعه سر می‌کشم. به موسیقی گلویم گوش می‌دهم، صدایی مثل بچه‌نهنگ است. آب از دو طرف لب‌هایم شره می‌کند روی پیراهنم. آب جان می‌دواند توی جسمم. اتاق را دارم آنالیز می‌کنم؛ یك دراور و آینه با سه کشوی تمام‌چوب، یك چای‌ساز، یك قرآن، دو تا سیب و چند لیوان یك بار مصرف کاغذی کنار هم نشسته‌اند، دو دیوار روبه‌روی هم لختند، یك دیوار عکس گنبد نبوی را دارد و یك دیوار جهت نمای قبله، کف اتاق سرامیك است و سقف چراغ‌های زرد دارد. کولر خود به خود روشن می‌شود. باد می‌خورد به عرق تنم مورمورم می‌شود، یك نقشه روی میز است و جاهای زیارتی مدینه را نشانك‌گذاری کرده. تا حرم نبوی حدود دو کیلومتر راه است. چمدان را باز می‌کنم و مهربانی‌های همسرم را کنار می‌گذارم، خاکشیر، نبات، آلو بخارا، تخم شربتی، انجیر خشك، قرص نعنا و.... کیسه وسایل حمام را پیدا می‌کنم. دوش داغی می‌گیرم و لباس زابلی سفیدم را می‌پوشم که حامد غلامی، دوست عکاسم به من هدیه داده است.

همان شب عید غدیری که در زابل شعرخوانی داشتم، عطر توسکان لیدرم را می‌زنم و از هتل می‌زنم بیرون. دو کیلومتر پیاده روی در لوار (کویری‌ها به باد داغ می‌گویند لوار) در حاشیه اتوبانی که منتهی می‌شود به حرم، سه دقیقه نمی‌کشد باد داغ در لباس بلوچی‌ام می‌افتد و همه رطوبت بعد حمام بدنم را بخار می‌کند، سه دور تسبیح صلوات راه است تا رسیدن و این دیدار است. چه بگویم و چه بخواهم؟ راهم می‌دهید، من کجا، اینجا کجا؟... کفش‌هایم را درمی‌آورم...

مردان اهل باشگاه بخوانند

نایب رئیس انجمن داروسازان ایران گفت: داروی آنابولیك که این روزها در باشگاه‌های ورزشی مردان جوان استفاده می‌کنند و مورد تبلیغ است، باعث نازایی می‌شود. براین اساس به هموطنان هشدار می‌دهیم به این تبلیغات توجهی نکنند. سیدعلی فاطمی به ایرنا گفت: مصرف داروی هورمونی آنابولیك باعث تحلیل غدد جنسی مردان شده و متاسفانه این دارو توسط مربیان باشگاه‌های ورزشی برای پرورش اندام تجویز می‌شود که علاوه بر نازایی، باعث بروز بیماری‌های مختلف نیز می‌گردد.

نوسانات خلق، افسردگی، بی‌قراری، افزایش اشتها، خستگی، افزیش فشارخون، سکته، عوارض قلبی و بی‌خوابی از عوارض مصرف این داروی هورمونی است.

کافه میرداماد

گفت‌وگو با محمد فیلی؛ بازیگری که در سریال روزی روزگاری با زنده یاد خسرو شکیبایی همبازی بود

روزی روزگاری «عمو خسرو»

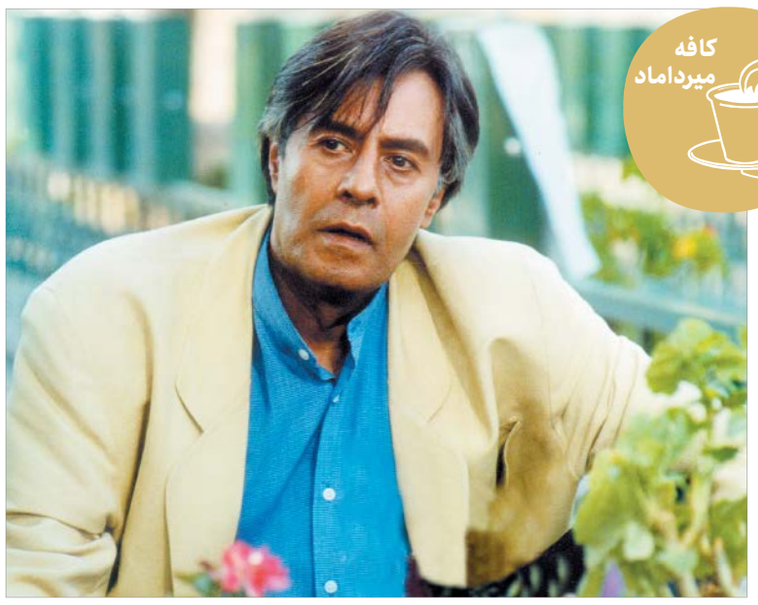

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

۱۱ سال از روزی که خسرو شکیبایی برای همیشه رفت، می‌گذرد. ۱۱ سال زمان کمی نیست؛ اما هنوز ۲۸ تیر که می‌شود همه یادش می‌افتند که چقدر دوست‌داشتنی بود که چقدر عزیز بود که هنوز هیچ بازیگری نتوانسته جای خالی او را پر کند، حتی همه آنهایی که با ظهور شگفت‌انگیز شکیبایی در فیلم‌هامون تلاش کردند شبیه او شوند اما نشد که نشد.

روز تشییع پیکرش را همه ما یادمان است، قیامتی شده بود. جمعیتی آمده بود که مدت‌ها سوژه رسانه‌ها بود، رکورددار تشییع پیکر با شکوه یك هنرمند بود (البته بعدها این رکورد در اختیار زنده‌یاد پاشایی قرار گرفت و حرف و حدیث‌های زیادی را به وجود آورد).

رضا استادی؛ همکار سابقم در روزنامه جام‌جم رفته بود برای تهیه گزارش میدانی از مراسم. وقتی آمد گرمازده و هلاك و متعجب از آن همه جمعیتی که برای بدرقه زنده‌یاد شکیبایی رفته بودند. انگار نه انگار چله تابستان بود و هوا مثل همین روزها داغ داغ!

بعدها رضا عطار عکاس سریال شیخ بهایی که زنده‌یاد شکیبایی بازیگرش بود برایم از خصوصیات شکیبایی گفت. از ویژگی‌های بی‌نظیرش. می‌گفت: «نه تفاخری نه تکبری. بی‌شیله پیله‌تر از این بازیگر ندیده‌ام و دیگر نخواهم دید. هر زمان وقت آزاد داشتیم به او می‌گفتم، استاد برویم گوشه کناری از شما عکس به اصطلاح هنری بگیرم! می‌آمد، همراه بود و رفیق. تك‌ستاره سینما و تلویزیون باشی و این‌قدر فروتن و رفیق. اصلا فرقی نمی‌کرد طرف مقابلش چه کسی است، دست که می‌داد، می‌شد رفیق. می‌شد همراه»

فیلی: آقای شکیبایی پله پله از نردبان بازیگری بالا آمد تا به اوج رسید. ریاضت زیاد کشید، سختی زیاد تحمل کرد

برای من خسرو شکیبایی، با فیلم‌هامون شروع شد با صدایش در دکلمه شعرهای سید علی صالحی با نام «ری را» ادامه یافت. دقیقا یادم نیست چند بار فیلم‌هامون را دیده‌ام، یادم نیست چند بار با دیدن سکانسی که حمیدهامون می‌رود پیش مادربزرگش و او می‌گوید: آخ آخ دلت شکسته.... و حمیدهامون گریه می‌کند، گریه کرده‌ام. یادم نیست چندین بار دکلمه‌های ری‌را را گوش داده‌ام آنجا که می‌گوید: حال همه ما خوب است اما تو باور مکن... یادم نیست چند بار کیمیا، سرزمین خورشید، کاغذ بی‌خط، اتوبوس شب، خانه سبز، روزی روزگاری و... را دیده‌ام و حسرت خورده‌ام به این که چه اتفاقی می‌افتد یکی می‌شود، خسرو شکیبایی و جاودانه می‌شود و من حتی نمی‌توانم نقش خودم در هستی و دنیا را به‌درستی انجام بدهم. حال بماند اجرای نقش آدم‌های دیگر چنین محکم، چنین درست و چنین باورپذیر!

فروتن و دوست‌داشتنی

محمد فیلی بازیگری دوست‌داشتنی‌ای است. از آن آدم‌های شریف و مودب که از دوران قدیم به امروز رسیده‌اند. همان‌هایی که آداب بازیگری و معاشرت را با هم یاد گرفته‌اند. فیلی در سریال روزی روزگاری که از شبکه تماشا بازپخش می‌شود، دو نقش را بازی می‌کند، بسیم و نسیم. دو برادر دوقلو که یکی در دار و دسته حسام بیك بود و دیگری در گروه مراد بیك. نقش مراد بیك را خسرو شکیبایی بازی می‌کرد. یکی از آن بازی‌های بسیار دوست‌داشتنی. تصور کن بیشتر از شش ماه در بیابان‌های اطراف شیراز باشی، در آن زمان با کمترین امکانات و نقش یك راهزن دوره قدیم را چنین عالی بازی کنی که همه را به تحسین وادارى.

فیلی کلی خاطره خوب از شکیبایی دارد، فروتنانه می‌گوید: قبل بازی در سریال روزی روزگاری در یك فیلم برای آقای احمدجو بازی کرده بودم. آن زمان شیراز بودیم. سر همان فیلم به من قول داد در یك کار بزرگ حتما دوباره با هم همکاری خواهیم کرد. تا ساخت روزی روزگاری به او سپرده شد و مرد و مردانه سر قولش ماند و نقش بسیم و نسیم را به من داد. یادم هست اولین بار با آقای شکیبایی که آن زمان در چند کار مطرح بازی کرده بود و اسم و رسمی داشت زیر یك چادر در محل فیلمبرداری سریال روزی روزگاری رو به رو شدم. اصلا برایش مهم نبود که او چقدر معروف است و من یك بازیگر گمنام شیرازی. با هم دست دادیم، مرا بغل کرد و بوسید و از همان‌جا رفیق شدیم تا روزی که از این دنیا رفت. با هم قول و قراری گذاشتیم. وقتی بازی داشتیم باید صبح ساعت پنج می‌رفتیم برای گریم. پیشنهاد داد قبل رفتن برای گریم بروم پیشش با هم تمرین کنیم. ساعت سه صبح می‌رفتم محل استراحتش تا پنج صبح تمرین می‌کردیم. از همه وجودش برای بازی در نقش مراد بیك مایه گذاشت. شش ماه و ده روز فیلمبرداری روزی روزگاری طول کشید؛ همه این مدت در بیابان‌های میمه بودیم. در همه این مدت و همه ماه‌هایی که سر سریال تفنگ سرپر بودیم نه یک ذره حسادت از این آدم دیدم نه غرور نه بدقلقی نه کارشکنی، نه بی‌حوصلگی. باید با خسرو شکیبایی زندگی می‌کردی تا متوجه می‌شدی چه انسان نازنینی است. نقش‌هایش را حتما دیده‌اید، همه دوست‌داشتنی‌اند. خودش هم همین بود. اخلاق‌مدار؛ چه در کار که حرفه‌اش بود و چه در زندگی شخصی و خصوصی.

سال‌ها ریاضت کشید

فیلی می‌گوید: خسرو شکیبایی پله پله از نردبان بازیگری بالا آمد تا به اوج رسید. ریاضت زیاد کشید، سختی زیاد تحمل کرد. نه پارتی داشت و نه آشنا. از توانایی‌های شخصی خودش استفاده کرد، نبوغش را نشان داد و شد خسروی سینمای ایران. انضباط شخصی داشت، مثل به اصطلاح ستاره‌های الکی امروزی نبود که یا با پول یا با چهره یا با پارتی یکشبه ره صد ساله را طی می‌کنند و خیلی زود به اوج می‌رسند و یکشبه سقوط می‌کنند. شاید یك دوره کوتاه مشهور شوند اما محبوب نمی‌شوند. کدام‌یك از این به اصطلاح بازیگران معروف امروزی توانسته‌اند محبوبیت بازیگرانی مانند عزتا... انتظامی یا خسرو شکیبایی را تکرار کنند؟ آنها تك‌ستاره‌هایی بودند که برای همیشه ستاره خواهند ماند. خسرو شکیبایی ریشه در دل مردم داشت، آخرین کاری که بازی کرد با او همبازی بودم؛ فیلم آشیانه‌ای برای زندگی، حالش خیلی بد بود. جسمش دیگر جواب نمی‌داد اما بازی و محبوبیتش قوام یافته بود. خسرو در اوج رفت و محبوبیتش هرگز از دل مردم نخواهد رفت.

ثروتمندترین مرد جهان، عروسك شد

جف بزوس؛ مدیرعامل شرکت آمازون که عنوان ثروتمندترین مرد جهان را نیز یدك می‌کشد، علاقه خاصی به دنیای ربات‌ها دارد و به نظر می‌رسد این علاقه توسط یك شرکت خلاق به شکلی متفاوت تعبیر شده است. به گزارش انتخاب، طی سال گذشته، جف بزوس، مدیر عامل آمازون، تصویری از خود در کنفرانس مارس ۲۰۱۸ شرکتش منتشر کرد که او را در کنار یکی از ربات‌های بوستون داینامیك نشان می‌داد. این تصویر بازدید بالایی داشت و اکنون به شکل اسباب بازی بازسازی شده است.

زبان شهر

علیرضا رافتی

نمی‌دانم تا به حال در ازدحام بوده‌اید یا نه. جایی مثل یك رستوران شلوغ قدیمی، از آن جاهایی که بلند حرف زدن بی‌کلاسی نیست و همه بلند بلند با هم حرف می‌زنند و صداها در هم می‌آمیزند. اگر تنها روی یك صندلی بنشینی فقط همهمه می‌شنوی. شاید بگویی صدای تجمع انسان‌ها همهمه‌ای گنگ است. اما نه. همهمه تجمع انسان‌ها به‌وضوح حرف می‌زند. مثلا حرف زدن این شهر را نگاه کن. از لابه‌لای همهمه انسان‌ها و ماشین‌ها و... حرفش را روی دیوارهایش می‌نویسد. یك روز مرگ بر فلانی، یك روز زنده باد فلانی، یك روز اشك، یك روز لبخند. دیوارها زبان گویای شهرند. زبان همهمه انسان‌ها.

برسد

عکس: ایرنا

هتل متفاوت توکیو

هتل هاندا اکسل در توکیو به مناسبت پانزدهمین سال تاسیس خود، به ساکنان یکی از سوئیت‌هایش امکان داده تا از امکانات یك شبیه ساز پرواز استفاده کرده و خود را در کابین خلبان حس کنند. به گزارش فارس، این اتاق ویژه که به عنوان کابین برتر نامگذاری شده، از یك ماه دیگر برای ذخیره کردن در دسترس است و در آن یك شبیه‌ساز پرواز هواپیماهای بوئینگ ۷۳۷-۸۰۰ نصب شده است. این هتل به طور کلی حال و هوایی شبیه به هواپیما دارد و سوئیت ویژه آن به مهمانان امکان می‌دهد تا خود یك برنامه پروازی را طراحی کرده و خودشان را در حین حضور در اتاق در اوج آسمان‌ها ببینند. هر پرواز شبیه‌سازی شده در این اتاق حدود ۹۰ دقیقه به طول می‌انجامد و از حرکت از ترمینال فرودگاه هاندا آغاز شده و شامل تمامی مراحل از پرواز هواپیما تا فرود آمدن آن بر روی زمین است. هزینه نصب این شبیه‌ساز در اتاق هتل مذکور بالغ بر ۹۲ هزار دلار بوده است.

مقطع حساس کنونی

ماجرای راهکار عجیب وکیل مختلس

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

یك مفسد اقتصادی که مقادیر زیادی اختلاس و سوءاستفاده از اموال عمومی کرده و مبالغ هنگفتی نیز از شاکیان خصوصی به جیب زده بود، بر اثر هوشیاری مأموران در چنگال قانون گرفتار شد. وی پس از گرفتار شدن در چنگال قانون بیان کرد تنها پس از دیدار با وکیلش به پرسش‌های مأموران قانون پاسخ خواهد داد. مأموران قانون وکیل وی را احضار کردند و نزد وی بردند. وی از وکیل خواست راهی برای دور زدن قانون پیش پایش بگذارد.

وکیل گفت: از آنجا که هر غلطی بوده کرده‌ای و راهی برای نجات خود باقی نگذاشته‌ای، تنها راه نجاتت این است که در جواب کلیه پرسش‌ها بگویی بلی، تا تصور کنند زیر فشار عصبی دچار زوال عقل شده‌ای و از طریق تبصره محجوریت، از مجازات‌های مربوط خلاص شوی. فقط باید قول بدهی بعد از خلاصی، حق‌الوکاله مرا سه برابر محاسبه و پرداخت کنی. فردای آن روز وی را به جلسه بازپرسی بردند. بازپرس از وی پرسید: اتهام اختلاس را قبول داری؟ وی گفت: بلی. بازپرس پرسید: اتهام کلاهبرداری از شاکیان خصوصی را قبول داری؟ وی گفت: بلی. بازپرس پرسید: چه مبلغ؟ وی گفت: بلی. بازپرس گفت: همدستانت را در اختلاس معرفی کن. وی گفت: بلی... و به این ترتیب در کلیه مراحل دادرسی به کلیه پرسش‌های بازپرس و دادستان و قاضی و خبرنگاران پاسخ بلی داد و درنهایت قاضی که اعصابش خرد شده بود حکم به مصادره اموال و بازگرداندن معوقاتش به اموال عمومی کرد و خودش را به دلیل محجوریت بر اثر زوال عقل ول کرد برود.

چند روز وکیلش به دیدن وی که ول شده بود رفت و به وی گفت: خوب قسر دررفتی. وی گفت: بلی. وکیل وی گفت: کیف می‌دهد؟ وی گفت: بلی. وکیل وی گفت: قرارمان که یادت هست؟ وی گفت: بلی. وکیل وی گفت: الوعده وفا. وی گفت: بلی. وکیل وی گفت: خب بده. وی گفت: بلی. وکیل وی گفت: ببین، من خودم این بازی را یادت دادم. حالا می‌خواهی سر خودم دربیاوری؟ وی گفت: بلی. وکیل وی گفت: پدرت را درمی‌آورم. وی برخاست و حکم مصادره کلیه اموال خود را آورد و به دست وکیل داد. وکیل گفت: یعنی الان هیچی هیچی نداری که حق‌الوکاله مرا بدهی؟ وی گفت: بلی. وکیل وی گفت: بلی یا نه؟ وی گفت: بلی. وکیل گفت: بلی؟ وی گفت: بلی. وکیل گفت: بلی و از جا برخاست و بلی‌بلی‌گویان از خانه وی بیرون رفت. وی نیز که بر اثر مصادره اموالش واقعا دچار زوال شده بود بلی‌بلی‌گویان همانجا نشست و خاموش هم نشد.

پیاز بخورید تا سالم بمانید

مطالعات جدید دانشمندان نشان می‌دهد پیاز منافع زیادی برای بدن دارد و استفاده از آن در رژیم غذایی ضروری است. به گزارش مهر، گنجاندن یك پیاز در رژیم غذایی روزانه می‌تواند مشکلات و بیماری‌ها را درمان کرده و سرطان را از شما دور کند. برخی از خواص پیاز عبارتند از: ضدانعقاد خون، ضدسرطان، خون‌ساز، استخوان‌ساز، ضددرد و ضدفشار خون. دانشمندان با انجام مطالعات و آزمایشاتی روی داوطلبان دریافتند آن دسته از افرادی که پیاز در برنامه غذایی‌شان وجود دارد سریع‌تر وزن کم کرده و چربی انباشته شده کمتری در بدن‌شان وجود دارد.